فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۵۳ – ۸۲

بازشناسی علل سقوط اخوان پس از یک سال زمامداری

اصغر جعفری ولدانی[1]
دانشیار علوم‌سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
محمدمهدی تولایی نصرت‌آبادی[2]
دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱٤ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۳/۰۳/۲۵

چکیده

نگارنده در این تجزیه و تحلیل سعی بر آن خواهد داشت تا به بازشناسی علل شکست‌آفرین داخلی و خارجی اخوان المسلمین در مصر بپردازد. اخوان المسلمین به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی ـ مذهبی در خاورمیانه، طی دو دهه گذشته توانسته است موفقیت‌های سیاسی چشمگیری را در برخی از کشورها از جمله ترکیه و مصر به دست آورد. مصر به‌عنوان خاستگاه این حزب سیاسی، با برکناری دیکتاتوری نظامی در سال ۲۰۱۰، به پایگاهی برای اعمال قدرت اخوان المسلمین، پس از ۸٤ سال مبارزه و فعالیت تبدیل شد. پیروزی محمد مرسی، نامزد جماعت اخوان المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۲ و تشکیل دولت توسط تشکل متبوع وی، ده سال پس از پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، اذهان را به چنان سمت و سویی سوق داد که جماعت اخوان المسلمین در اوج قدرت‌نمایی با حمایت مردم، اهداف مورد نظر و اعلامی خود را جامه عمل خواهد پوشاند، اما تحولاتی سبب شد تا این حزب دارای سازماندهی و انسجام، طی مدت کوتاهی در مصر شکست بخورد و دولت برآمده از آن سقوط کند و بحرانی فراگیر کشور مصر را دربرگیرد. وقایع تابستان سال ۲۰۱۳ و سقوط دولت محمد مرسی در کمتر از یک سال و دستگیری سران و رهبران اخوان المسلمین، آن هم پس از ۸٤ سال مبارزه خونین که به وسیله اشتباهات جبران‌ناپذیر خودساخته، زمینه نارضایتی مردم و در نتیجه حضور ارتش را برای تسهیل سرنگونی خود فراهم آوردند، می‌تواند یک حادثه قابل تأمل سیاسی در عصر حاضر تلقی شود که تحلیل‌های فراوانی را می‌طلبد.

واژه‌های کلیدی: مصر، اخوان المسلمین، عدالت و آزادی، محمد مرسی، انحصارطلبی.

---

1. Rjvemail@yahoo.com
2. Smkh1367@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

مقدمه

اخوان‌المسلمین یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اسلامی تاریخ معاصر در جهان اسلام است که طی ۸۰ سال گذشته، تأثیرات مهمی در حوادث و تحولات منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و دنیای عرب داشته است. اخوان‌المسلمین یک جنبش فراملی اسلام‌گرا است که در بسیاری از کشورهای اسلامی به‌ویژه کشورهای عربی در دهه‌های گذشته، سازمان منسجم و منضبطی را به صورت هدفمند ایجاد کرده که در قالب جریانی اپوزیسیون به فعالیت پرداخته است. کارشناسان و تحلیل‌گران امور بین‌الملل اهمیت زیادی به روند قدرت‌گیری این جنبش به‌ویژه در کشورهایی همچون مصر و ترکیه قائل هستند. ۸۵ سال مبارزه و طرح ایده برای رسیدن به روزی بود که فرصت آن، عملاً برای اخوانی‌ها در ژوئن ۲۰۱۲ فراهم شد. جهانیان مترصد آن بودند که بنگرند اخوانی‌ها چگونه از این فرصت به دست آمده استفاده درست می‌کنند و تهدیدهای فراروی آن را جدی می‌گیرند؟ آیا مانند هم‌کیشان خود در ترکیه، طریقه رهایی از کمند ارتشی که بیش از شش دهه قدرت را در مصر قبضه کرده و بخش عمده‌ای از اقتصاد مصر را در اختیار دارد خواهند یافت؟

وقایع تابستان سال ۲۰۱۳ و سقوط دولت محمد مرسی در کمتر از یک سال و دستگیری سران و رهبران اخوان‌المسلمین، پرسش‌های متعددی را به اذهان متبادر می‌کند که چه مشکلات و مسائلی موجب این رخداد شده است، به‌طوری‌که در همین سال‌های ابتدایی پس از انقلاب، بحرانی عظیم سراسر مصر را دربرگرفته است و روز به روز بر گستردگی حجم موضع‌گیری‌ها و درگیری‌ها و اختلافات افزوده می‌شود؟

فرصت میدانی یک ساله، اگرچه فرصت زیادی برای اثبات ناکارآمدی اخوانی‌های مصر نمی‌تواند باشد، اما نوع عملکرد و طریقه حرکت و نهایت ماجرا، موفقیت یک ساله چشمگیری را هم نمی‌تواند برای اخوانی‌ها نمایان کند. پرسش اصلی در کنکاش صورت پذیرفته چنین است که اشتباهات اساسی اخوان‌المسلمین که مقدمات کار ارتش در حال افول را برای همراهی با معترضان و در نتیجه اقدام برای ساقط کردن دولت مستقر فراهم کرد، چه مواردی است که موجبات قدرت‌گیری دوباره ارتش و همچنین آغاز دوره جدیدی از سرکوب سران و رهبران اخوان‌المسلمین را فراهم آورد؟

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

فرضیه نوشتار حاضر حکایت از آن دارد که عدم درک صحیح اخوان‌المسلمین از شرایط پس از انقلاب مصر و تحمیل دیدگاه‌های خود در تدوین قانون اساسی و اتکا به فهم دینی خودخواهانه، بدون در نظر گرفتن خواسته‌های اصلی مردم، در کنار کم‌تجربگی سیاسی در زمینه حکومت‌داری و گرایش به سمت و سوی سلفی‌گری که در تضاد با اهداف اولیه بود و در نتیجه موجب نادیده انگاشتن ایده‌های اصلی شد، فراهم‌آورنده دخالت دوباره ارتشی شد که نقش و نفوذ آن توسط دولت‌مردان به فراموشی سپرده شده بود. بنابراین، حکومت اخوان با اشتباهات اخوانی‌ها، سرانجامی بهتر از سقوط نیافت. در این مقاله، تلاش شده است با بهره‌گیری از قالب تحلیل رفتاری به‌عنوان چهارچوب نظری غالب، در ابتدا تاریخچه مختصری از چگونگی شکل‌گیری و سیر فعالیت‌های اخوان‌المسلمین مصر تا زمان به‌دست‌گیری زمام حکومت بیان شود. آن‌گاه در بدنه اصلی نوشتار، به بررسی عوامل داخلی و خارجی به صورت مدون پرداخته می‌شود و ضمن شرح هریک از عوامل، نقش دولت محمد مرسی در پیامدهای برآمده از آنها نیز بیان می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱. اخوان‌المسلمین مصر در گذر تاریخ

جمعیت اخوان‌المسلمین در سال ۱۹۲۸ به دست حسن البنا در اسماعیلیه تأسیس شد و پس از گذشت یک سال با افزایش اعضا، قرارگاه خود را به قاهره منتقل و در سال ۱۹۲۹رسماً در قاهره اعلام موجودیت کرد (مسعودنیا و نجف‌پور، ۱۳۸۸). حسن البنا زمانی که این جنبش را پایه‌گذاری کرد، تشکیل خلافت اسلامی را بر مبنای حکومت‌های صدر اسلام طرح‌ریزی کرد. ازآنجاکه تاریخ اسلام از دوران حاکمیت امویان تنها از عمر بن عبدالعزیز (هشتمین خلیفه اموی) به دلیل برخورد منصفانه با مردم و اقلیت‌های مذهبی به نیکی یاد کرده است؛ بنابراین، اخوان‌المسلمین الگوی حکومتی خود را از این خلیفه اموی برگرفته‌اند(هانی‌زاده، ۱۳۹۲). حسن البنا دغدغه‌های خاص خود را داشت. دغدغه‌هایی چون گرد هم آوردن مسلمانان، ایجاد هماهنگی بین قلوب مسلمین و هدایت آنان به سوی اصول بنیادین اسلام، قرآن و حدیث (پورغلامی، ۱۳۸۹).

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

اهداف اخوان‌المسلمین

در بدو امر، بنیادی‌ترین اهداف اخوان‌المسلمین که بر مبنای آن شاکله اصلی سازمان بنا شد، عبارت بود از:

– احیای اصول اساسی اسلام و تشکیل یک جامعه سیاسی مبتنی بر اصول اسلام که با تهدیدات فرهنگی و سیاسی غرب مقابله کند.

– تحقق یگانگی اعراب و مسلمانان و برافکندن یوغ قدرت‌های اروپایی استعمارگر که به وطن اسلامی دست درازی کرده بودند (مسعودنیا و نجف‌پور، ۱۳۸۸).

اگر بخواهیم به صورتی موجز و تفکیک شده، اهداف این سازمان را در قالب اصول کلی و راهبردهای اصلی بیان کنیم، به موارد ذیل خواهیم رسید:

۱. اصل علمی: تفسیر و توضیح کامل قرآن کریم با بازگشت به اسلام اصیل و مقابله با تهمت‌هایی که به اسلام زده شده است.

۲. اصل عملی: متحد ساختن ملت مصر و ملل اسلامی بر پایه اصول قرآنی و تربیت نسل جدید بر مبنای اصول آن.

۳. اقتصادی: رشد ثروت ملی و حفاظت از آن، بالا بردن سطح زندگی، عدالت اجتماعی، فردی و گروهی، تضمین فرصت‌های برابر برای همگان، محدود کردن نفوذ خارجی در اقتصاد مصر وغیره.

٤. اجتماعی نوع‌دوستانه: خدمات اجتماعی، تلاش برای محو جهل و بی‌سوادی، بیماری، فقر و تشویق به کارهای مفید، عام‌المنفعه و سودآور.

۵. ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه: آزادی دره نیل و تمام کشورهای عربی و سرزمین‌های اسلامی از چنگال خارجیان، حمایت از اتحاد عرب، بنای جامعه‌ای ایدئال بر اساس قوانین اسلام و حفظ آن در میهن و انتقال مفاهیم و ارزش‌های آن به خارج، صدور انقلاب وغیره.

٦. انسان‌گرایانه و جهانی: ترغیب به ایجاد جامعه‌ای بر مبنای اصول اخلاقی از طریق قوانین جهانی اسلام (این شش اصل، پاراگراف‌های ماده دوم، بخش دوم قوانین اصلی اخوان‌المسلمین هستند که در سال ۱۹٤۵ توسط مجمع عمومی ارائه شد. دیگر اصولی که در ادامه می‌آید، از سخنان حسن البنا و معیارهای مورد تأکید وی برگرفته شده است).

۷. اجتناب از جدل‌های مذهبی ـ فرقه‌ای: اخوان به هیچ فرقه و گروه خاصی تعلق ندارد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

و تنها روح و جوهر اسلام را مبنای عمل قرار می‌دهد.

۸. اجتناب از تسلط و حاکمیت مردان مهم و متشخص.

۹. اجتناب از احزاب و گروه‌های سیاسی: هیچ کس نمی‌تواند در راه پیام اسلام گام بردارد مگر اینکه از هرگونه تمایلات گروه‌گرایانه پاک شود و خود را تنها در راه خدا وقف کند.

۱۰. سیاست گام به گام: جنبش قبل از آنکه به هدف غایی و نهایی خویش برسد، باید مراحل گوناگونی را طی کند. این مراحل عبارت‌اند از تبلیغ، بیان و تفسیر ایدئولوژی، عمل و نتیجه‌گیری.

۱۱. استفاده از نیروهای مختلف برای تحقق اهداف: طیف این نیروها از عقیده و ایمان آغاز و به قدرت وحدت و یکپارچگی و سپس به قدرت اسلحه و مبارزه ختم می‌شوند. آن زمان دست به اسلحه خواهند برد که فشار شرایط امکان هرگونه اصلاح اجتماعی را غیر ممکن ساخته باشد.

۱۲. برپایی حکومت اسلامی: اگر کسی باشد که بتواند چنین وظیفه‌ای را (تشکیل حکومت اسلامی) به عهده بگیرد و قوانین قرآنی را اجرا کند، آنها با کمال میل نقش سربازان، حامیان و یاران او را بر عهده خواهندگرفت. اگر چنین فردی وجود نداشته باشد، تشکیل حکومت یکی از برنامه‌های آنان خواهد بود و این کار را به هیچ وجه قبل از آنکه اصول و اندیشه‌هایشان بتواند خود را در دل جامعه پابرجا سازد، انجام نخواهند داد.

۱۳. ایمان به اتحاد عرب و اتحاد اسلام: معتقدند هر جا مسلمانی وجود دارد، وطن آنها همان جا است.

۱٤. عقیده به خلافت و تلاش در راه احیای آن: البته معتقدند نخست باید همکاری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کاملی میان مسلمانان پدید آید و در پی آن، اتحادیه‌ها تشکیل شوند و سپس جامعه ملل اسلامی تشکیل شود چنان‌که بتواند آنها را گرد امام که کانون وحدت آنها خواهد بود فراهم آورد.

۱۵. موضع آنان در مقابل کشورهای اروپایی: آنها در مقابل هر کشوری که بخواهد به سرزمین اسلامی تجاوز کند، مقاومت خواهند کرد. اسلام به هیچ وجه با چیزی کمتر از آزادی و استقلال و شرافت انسانی راضی نمی‌شود و در راه احقاق آن جهاد را وظیفه اساسی هر مؤمن راستین می‌شناسد (اسحاق‌الحسینی، ۱۳۷۷: ۸۵-۸۱، با تصرف و تلخیص).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

مهم‌ترین مراحل شکل‌گیری و تکامل اخوان‌المسلمین

– مرحله نخست (تأسیس): این دوران از بنیان‌گذاری آن در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا شروع می‌شود. در این مرحله، اخوان‌المسلمین از لحاظ تئوریک و ساختار سازمانی با رهبری مرشد اول و مؤسس آن شکل گرفت و با ترور حسن البنا در ۱۲ فوریه ۱۹٤۹توسط عوامل ملک فاروق به پایان رسید.

– مرحله دوم (همکاری): این مرحله با انتخاب حسن الهضیبی به‌عنوان مرشد دوم و سقوط نظام پادشاهی در مصر شروع می‌شود. در این مرحله، میان رهبران اخوان و افسران آزاد، همراهی و وفاق کامل وجود داشت و سازمان نظامی اخوان در تغییر رژیم کاملاً با گروه افسران آزاد همکاری کرد.

– مرحله سوم (تقابل): «افسران آزاد» به سرکردگی سرهنگ جمال عبد الناصر، با دستگیری رهبران اخوان‌المسلمین و اعدام برخی از آنان، در تلاش بودند که پایگاه مقاومت مردمی اخوان را نابود کنند و قدرت و سلطه را در انحصار خود قرار دهند که با سرکوب و زندانی کردن هزاران نفر از اعضای اخوان و اعدام رهبران آن همراه بود. این مرحله با مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰ خاتمه پیدا می‌کند. اعدام «سید قطب» نیز در همین دوره رخ می‌دهد.

– مرحله چهارم (آزادی تاکتیکی): این مرحله با به قدرت رسیدن انور سادات آغاز می‌شود. سادات برای مقابله با توطئه کودتای ناصریست‌ها و کمونیست‌ها، اخوانی‌ها را از زندان آزاد کرد. اخوان‌المسلمین در این مرحله، تحت رهبری «عمرالتلمسانی» (مرشد سوم) به ترمیم و سازماندهی تشکیلات و افشاگری جنایات حکومت فردی و دیکتاتوری ناصر و دوران حاکمیت وی پرداختند.

– مرحله پنجم (تقابل و تضاد): این مرحله با دستگیری مجدد اخوانی‌ها در سال ۱۹۷۹ توسط سادات آغاز می‌شود (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۲/٤/۳۱). از جمله دلایل آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. مخالفت دولت با صدور مجوز تشکیل حزب برای اخوان‌المسلمین و عدم وجود فضای باز سیاسی؛

۲. انتقاد اخوان‌المسلمین از سیاست اقتصادی درهای باز (مسعودنیا و نجف‌پور، ۱۳۸۸)؛

۳. دعوت رژیم انور سادات از شاه ایران برای اقامت در مصر و پس از آن موضع‌گیری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی – پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

رسمی این رژیم در مسئله گروگان‌های امریکایی در تهران (مرادی، ۱۳۸۳)؛

٤. سیاست سازش‌کارانه سادات در مقابل اسراییل.

این نارضایتی‌ها به ترور سادات به دست خالداسلامبولی از اعضای گروه الجهاد (منشعب از اخوان) منجر شد و در نتیجه، مرشد عام اخوان‌المسلمین در سال ۱۹۸۱دستگیر شد و باز سرکوب‌ها شدت گرفت (مسعودنیا و نجف‌پور، ۱۳۸۸).

– مرحله ششم (مشارکت سیاسی و سرکوب): دوران ریاست جمهوری حسنی مبارک، دوران بسیار پر فراز و نشیبی برای اخوان‌المسلمین محسوب می‌شود. دهۀ نخست ریاست جمهوری وی، در واقع دوران طلایی فعالیت اخوان بود. در این دوران، اخوان با ورود به پارلمان مصر از طریق ائتلاف با احزاب مختلفی چون وفد، کار و الاحرار، به میزان زیادی از مشروعیت سیاسی دست یافت. اما پس از پیروزی قاطع جبهه نجات‌بخش در الجزایر در اوایل دهه ۱۹۹۰، راهبرد حکومت در قبال اخوان‌المسلمین، به تحت فشار قرار دادن و تعقیب و مجازات اعضای آن تبدیل شد (مسعودنیا و نجف‌پور، ۱۳۸۸). در انتخابات سال ۲۰۰۰ اخوان‌المسلمین ۱۷ کرسی از مجموع ٤٥٤ کرسی پارلمان را به دست آورد و بعد از حزب دموکراتیک ملی به رهبری حسنی مبارک با ۳۸۸ کرسی (حزب حاکم) دومین جناح قدرتمند در پارلمان شد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۱۱۰). اما بعد از ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱، حکومت مصر بیش از پیش به سرکوب اخوان‌المسلمین پرداخت؛ زیرا رژیم حاکم بر مصر معتقد بود اندیشه حاکم بر این جمعیت متضمن تهدید نظام حاکم و غرب است(مسعودنیا و نجف‌پور، ۱۳۸۸). البته اخوان‌المسلمین در دهۀ اخیر به نوعی مصالحه با رژیم مبارک رسید، امری که در سال ۲۰۰۵، به رسیدن ۸۸ تن از اعضای اخوان به پارلمان مصر (۲۰ درصد) انجامید. اما پیش از آغاز دگرگونی‌های شتابان پس از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، با اخراج کامل اخوان از پارلمان مصر، گروه اخوان‌المسلمین در مقابل رژیم قرار گرفته بود؛ هرچند همچنان گام نهادن به خیابان‌ها را به سود خود نمی‌دید (مرکز تحقیقات استراتژیک،۱۳۹۰/۱/۲۰).

– مرحله هفتم (زمامداری، انحصارطلبی و سرکوب): به هنگام آغاز اعتراضات در ۲۵ ژانویه، اخوان در این تظاهرات شرکت نکرد و رهبران اخوان تا ۲۸ ژانویه، ورود به خیابان‌ها را به دلیل تهدیدات دستگاه‌های امنیتی در دستور کار قرار ندادند. در واقع، می‌توان گفت گروه‌های اسلام‌گرا از جمله اخوان‌المسلمین نیز از این جنبش حمایت کردند، اما پیوستن آنها

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

در مراحل بعدی بود (دارا و کرمی، ۱۳۹۲). از ۲۸ ژانویه اخوان‌المسلمین در کنار سایر نیروها وارد اعتراضات خیابانی شد، امری که در نهایت به سقوط مبارک در ۱۱ فوریه انجامید. طبعاً ورود اخوان‌المسلمین به خیابان‌ها، قدرت و شدت تظاهرات مردمی را دوچندان ساخت و توافق اخوان با سایر احزاب و نیروها مبنی بر لزوم کناره‌گیری مبارک، به تداوم تظاهرات ۱۱ فوریه انجامید. اما خلاصه کردن تحولات مصر در تحرکات اخوان نادرست است؛ زیرا اخوان خود از شدت و گستره تظاهرات در وهله نخست غافلگیر شد (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۲/٤/۳۱).

اخوان‌المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد و محمد مرسی در نخستین انتخابات دموکراتیک تاریخ مصر وارد کاخ الاتحادیه شد. در یک سال زمامداری اخوان، وضع مصر از نظر اقتصادی رو به بهبود نبود و از نظر سیاسی هم مرسی نتوانست بین گروه‌های مختلف سیاسی و مدنی تفاهم ملی ایجاد کند.گروه‌های مخالف مرسی وی را متهم می‌کردند که تلاش دارد تا جریان اخوان‌المسلمین را در مصر بر تمام ارکان حکومت مسلط کند، درحالی‌که قیام مردم در مصر برای این بود که نوعی تکثر و تنوع سیاسی بر این کشور حاکم شود و یک جریان سیاسی و حزبی به طور تمام‌عیار بر ساختار سیاسی مصر مسلط نباشد. واکنش‌های منفی به همراه عملکرد نسبتاً ضعیف دولت مرسی، درنهایت به کودتای ارتش منجر شد و بسیاری از اخوانی‌ها را روانه زندان کرد (دومانلو و دیگران،۱۳۹۳). این بار ارتش به‌عنوان مدافع مردم در برابر دولت مرسی وارد عمل شد و سعی کرد وجهه و اعتبار خود را به‌عنوان یک نیروی پایان‌دهنده به مناقشات حفظ کند.

۲. عوامل زمینه‌ساز سقوط دولت اخوان‌المسلمین؛ اشتباهات و دسیسه‌ها

سخنگوی حزب عدالت و آزادی، وابسته به اخوان‌المسلمین مصر اذعان کرد که اخوان‌المسلمین و مرسی بارها مرتکب خطا شده‌اند. حمزه زوبع، سخن‌گوی شاخه سیاسی اخوان، گفت: «چه کسی گفته است که اخوان‌المسلمین مرتکب خطا نشده و چه کسی گفته است که مرسی خطا نکرده است؟ بارها اقرار کرده‌ایم که به‌عنوان یک حزب و یک دولت مرتکب خطا شده‌ایم». زوبع در پایگاه رسمی حزبش نوشت: «اخوان‌المسلمین در دام تک‌روی در حکومت افتاد و به اشتباهات گذشته خود چه در زمان ریاست جمهوری و چه زمانی که مجبور به ترک

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

ریاست شد واقف است. ما مصر و مردم مصر را دوست داریم و هیچ‌گاه به استفاده از سلاح و خشونت روی نخواهیم آورد». زوبع ضمن اقرار به اینکه ایراد سخنان تحریک‌آمیز در تظاهرات حامیان اخوان‌المسلمین اشتباه بود، گفت: «البته که ما خطا کرده‌ایم و بر خود لازم می‌دانیم که از کشور عزیزمان و مردم مصر عذرخواهی کنیم؛ زیرا به‌درستی نتوانستیم وظایف خود را در اداره کشور ادا کنیم، اما اخوان‌المسلمین نیز بارها مورد حمله رسانه‌ای کودتاچیان قرار گرفته است». (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۶/۱۷)

سخنان سخنگوی حزب عدالت و آزادی و بررسی وقایع رخ‌داده در دوران یکساله حکومت اخوان‌المسلمین،بیانگر اشتباهات بسیار و اساسی این جماعت و تلاش مخالفان داخلی و خارجی برای تسریع در سقوط است که شاید بتوان زمینه‌سازی برای قدرت‌نمایی مخالفان را هم در اشتباهات اخوان‌المسلمین دسته‌بندی کرد.

عوامل زمینه‌ساز سقوط اخوان‌المسلمین مصر را می‌توان به صورت مجزا، در دو بخش عوامل داخلی و خارجی بیان کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

الف) عوامل داخلی

۱. بُعد سیاسی

۱-۱ - انحصارطلبی، تشکل‌محوری و به حاشیه راندن دیگر گروه‌های حاضر در انقلاب

اخوان‌المسلمین نتوانست درک کند که ریاست جمهوری با اتحادیه‌ها و سندیکاهای دانشجویی تفاوت دارد. به همین سبب، به دست آوردن پنجاه و چند درصد از آرای مردم، صلاحیت سلطه کامل بر قدرت را به آنها نمی‌دهد. رئیس‌جمهور باید جایگاه و وزن مخالفان خود را در میان افکار عمومی رعایت کند تا بتواند مدت مشخصی از ثبات را برای دوره حاکمیت خود فراهم کند. پس از آنکه محمد مرسی، نامزد حزب عدالت و آزادی وابسته به اخوان‌المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری مصر در ژوئن ۲۰۱۲ حایز اکثریت آرا شد، گام‌های بعدی نیز در جهت انحصارگرایی قدرت و عدم تعامل با دیگر گروه‌های سیاسی مصری بود. محمد مرسی برای اغلب پست‌های مهم حکومتی از افراد وابسته به اخوان‌المسلمین استفاده کرد. در این میان، بیانیه افزایش اختیارات ریاست جمهوری که توسط محمد مرسی صادر شد، نقطه آغاز مخالفت‌های فراگیر

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

و همه‌جانبه علیه مرسی و اخوان‌المسلمین بود. بااین‌حال، باز هم محمد مرسی و اخوان‌المسلمین قابلیت بالای مخالفان را برای بسیج عمومی علیه خود نادیده گرفتند و همچنان به واگذاری پست‌های مهم حکومتی به نامزدهای وابسته به اخوان ادامه دادند. در آخرین مورد، مرسی با تغییر ۱۷ استاندار استان‌های مختلف مصر، بیشتر از اعضای وابسته به اخوان المسلمین در این جابه‌جایی استفاده کرد که این اقدام موجب بروز موجی از اعتراض‌های مردمی در این استان‌ها علیه دولت مرسی و درگیری‌های خیابانی میان هواداران و مخالفان محمد مرسی شد که در نتیجه آن، شماری از شهروندان مصری کشته و زخمی شدند (ایسنا، ۱۳۹۲/۳/۱۹). این‌گونه اقدامات موجب شد تا مخالفان از اصطلاحاتی نظیر «دیکتاتوری حزبی»، «فرعون مصر» یا «مرسی، مبارکی دیگر» استفاده کنند و به افکار عمومی بقبولانند که مرسی رئیس‌جمهور مردم مصر نیست، بلکه رئیس‌جمهوری است که در خدمت اخوان المسلمین و سران آن قرار دارد. این در حالی است که مرسی با رأی خوبی به‌عنوان رئیس‌جمهور پذیرفته نشد و تنها ۵۱ درصد رأی آورده بود. به عبارت دیگر، مرسی ۴۹ درصد مردم مصر را پس از به قدرت رسیدن در نظر نگرفت (زاوش، ۱۳۹۲).

انحصارطلبی، ناتوانی از مهرورزی به همه مردم فارغ از گرایشات سیاسی، عدم تعامل با دیگر گروه‌های انقلابی و عدم پیگیری بازگشت انقلابیون مصری همچون شیخ محمد عمر عبدالرحمن که سال‌ها در امریکا زندانی است، از دیگر اشتباهات اخوان است. مرسی نماینده مواضع اخوان المسلمین بود، به‌طوری‌که با رفتار انحصارگرایانه، انقلاب را به نفع یک گروه مصادره کرد و این موضوع سبب شد تا با یک واکنش اجتماعی گسترده روبه‌رو شود. اخوان‌المسلمین متحدان بالقوه خود را کنار زد، نارضایتی رو به رشد مردم را نادیده گرفت و تنها بر تحکیم قدرت و حکومت تمرکز کرد نه بر استفاده صحیح از ابزارهای موجود. نتیجه اینکه برخورد انحصاری با پدیده قدرت و عدم درک درست از پیام انقلاب ۲۵ ژانویه۲۰۱۱ اشتباه بزرگی بود که موجب شد اخوان‌المسلمین، مصر را که پس از سال‌ها به دستش افتاده بود، ملک طلق خود پندارد، غافل از اینکه اخوان از میان مشارکت‌کنندگان که تعدادشان خیلی گسترده هم نبود، دارای اکثریت نسبی در انتخابات شده بود.

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

۱-۲ - فقدان تجربه سیاسی در اداره امور کشور

یکـی از بزرگ‌تریـن اشـتباهات مرسـی و گروه اخوان‌المسـلمین، نداشـتن چشـم‌انداز کامل نسـبت بـه بخش‌های مختلف کشـور و افزایـش حزب‌گرایی و تکیه به افـراد غیرمتخصص مـورد اعتمـاد به‌جـای افـراد باتجربـه و کارشـناس بـود، به‌نحوی‌کـه افـراد بـدون داشـتن تجربـه و صلاحیـت، سـمت‌هایی را در اختیـار گرفتنـد کـه مجمـوع ایـن مـوارد در نهایت باعـث بـروز نارضایتـی فراگیـر از عملکـرد محمـد مرسـی و دولتـش شـد. اخوانی‌ها هیچ گونـه آمادگـی قبلـی بـرای اداره کشـور نداشـتند و کشـوری بـا مشـکلات بسـیار زیـاد را در اختیـار گرفتنـد و در ایـن شـرایط دچـار اشـتباهات بـزرگ شـدند. آنها احسـاس کردند جایگزینـی دیگـر ندارنـد و بـا فقـدان برنامـه نیـز می‌تواننـد بـه هـر شـکلی کـه بخواهنـد عمـل کننـد. تصـور ایـن بـود کـه بـه تنهایـی می‌تـوان مصـر را اداره کـرد، درحالی‌که مصر بـا وضعیـت منحصـر بـه خـود، باید بـا ائتلافـی از جریان‌هـای متفـاوت و ادیـان و مذاهب مختلـف اداره شـود؛ زیـرا حـدود ۲۰ درصـد از مردم مصر از مسـیحیان هسـتند و در مراکز حسـاس مصر هـم فعالیت دارند (منصـوری، ۱۳۹۲). از جانب دیگـر، اظهار نظرهای محمد مرسـی کـه معمـولاً تـوأم با کنایه زدن بـه رقبا و یـادآوری جایگاه قانونی خویـش بود، آتش اختـلاف را افروخته‌تـر کـرد و ایـن حاکـی از آن بود که مرسـی و جریان اخوان المسـلمین شـرایط را درک نمی‌کننـد و برگه‌هـای لازم را بـرای تغییـر وضعیـت در اختیـار ندارند. این درحالـی اسـت کـه کاهـش نیافتـن اعتراضـات یـک وجـه اصلـی مدیریتـی رئیس‌جمهـور را کـه همـان ناتوانـی در اداره امـور بـود، برمـلا کـرد، به‌نحوی‌کـه هـواداران مرسـی هـم متوجـه شـدند کـه او قـادر نیسـت به‌عنـوان رئیس‌جمهور شـرایط را بـه نفع رسـیدن به راه حـل مدیریـت کنـد؛ بنابرایـن، از اطـراف او پراکنـده شـدند و مرسـی را با مشـکلاتش تنها گذاشـتند (زارعـی، ۱۳۹۲). دلیـل شکسـت ایـن بود کـه اخوان‌المسـلمین هیچ‌گونـه الگو و نسـخه دولت‌سـازی اسـلامی روزآمـد بـرای مصـر نداشـت و تصمیمـات کلان سیاسـی و اقتصـادی در دفتـر ارشـاد اخوان‌المسـلمین گرفته می‌شـد. تصـور اخوان‌المسـلمین این بود کـه دولت‌سـازی و کشـورداری ماننـد اداره چند مؤسسـه خیریه اسـت؛ زیرا تجربـه آنان در طـی ایـن ۸۵ سـال منحصر بـه اداره همین مؤسسـه‌ها بـود (هانـی‌زاده، ۱۳۹۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

۱-۳ - اقتدارگرایی و عدم درک صحیح از شرایط سیاسی و اجتماعی

ضعف موقعیت‌سنجی سران اخوان‌المسلمین مصر در مرحله نخست در درک نکردن شرایط سخت سیاسی و اجتماعی این کشور بود که مصر از دوران مبارک به ارث برده بود. جمعیت اخوان المسلمین مصر که بیش از هشت دهه منتظر فرصت ماند تا وارد بدنه قدرت سیاسی شود، با وقوع انقلاب ۲۵ ژانویه، بدون در نظر گرفتن مشکلات به‌جای مانده از دوران مبارک، تلاش کرد تا از انقلاب به‌عنوان یک فرصت تاریخی برای تبدیل شدن به قدرت نخست سیاسی در مصر استفاده کند (زاوش، ۱۳۹۲). این اشتباه اشتباهات بعدی را موجب شد؛ شرکت بدون برنامه و اهداف عملیاتی در انتخابات، نبود افق مشترک قابل توجه بین اخوانی‌ها و دیگر مخالفان مبارک و همچنین تحویل گرفتن قدرت از نظامی‌ها. اخوان المسلمین در نخستین انتخابات آزاد پارلمانی در مصر، هم در مجلس نمایندگان و هم در مجلس شورا، صاحب اکثریت کرسی‌ها شد. درعین‌حال، اخوانی‌ها ریاست مجلس نمایندگان و مجلس شورا را از آن خود کردند. از فاصله زمانی برگزاری انتخابات شوراها تا انتخابات ریاست جمهوری مصر، مخالفان اخوان المسلمین در داخل و خارج از مصر درباره تمامیت‌خواهی این جمعیت در مصر هشدار دادند و از اینکه اخوان با تکیه بر رأی اکثریت مردمی، درصدد کسب پست ریاست جمهوری مصر نیز است، ابراز نگرانی کردند. ازاین‌رو، اخوان المسلمین برای توزیع مناسب قدرت بین همه گروه‌های سیاسی مصر اعلام کرد که برای انتخابات ریاست جمهوری مصر نامزدی معرفی نخواهد کرد. اما این موضوع در عمل اتفاق نیفتاد و اخوان درصدد کسب پست ریاست جمهوری و تشکیل یک نظام سیاسی تمام اخوانی در مصر برآمد. بنابراین، باید گفت تلاش اخوان برای کسب پست ریاست جمهوری هم‌زمان با در اختیار داشتن ریاست مجلس نمایندگان و مجلس شورا، یک زیاده‌خواهی سیاسی و یک اشتباه استراتژیک از سوی سران اخوان‌المسلمین بود. اخوانی‌ها اگر با تجربه بیشتری عمل می‌کردند، می‌توانستند با حفظ ریاست مجلس نمایندگان و مجلس شورا برای خود، بر عملکرد و فعالیت دولت غیر اخوانی در مصر نظارت کنند تا مصر از دوران انتقالی به سلامت عبور کند و نظم سیاسی جدید در این کشور تثبیت شود و در دوره بعدی برای کسب پست ریاست جمهوری اقدام کنند. تردیدی نیست که در صورت موقعیت‌سنجی اخوان، آنها می‌توانستند چهار سال بعد دولتی اخوانی با حمایت مردمی بیشتر و در فضایی آرام‌تر را روی کار آورند (زاوش، ۱۳۹۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

۱-٤ - اختلافات داخلی اخوان‌المسلمین

با پیروزی انقلاب در مصر، اخوان‌المسلمین به‌عنوان اصلی‌ترین گروه سیاسی اسلام‌گرا توانست قدرت اصلی را در این کشور در اختیار گیرد، اما در همان زمان نیز بر همگان روشن بود که این گروه سیاسی به رهبری محمد مرسی در دولت جدید مصر با مشکلاتی جدی مواجه خواهد شدکه با گذشت یک سال از به قدرت رسیدن این گروه سیاسی، این مشکلات در کنار اشتباهاتی که مرسی انجام داد درنهایت به سقوط او منجر شد. یکی از مشکلات قابل پیش‌بینی که می‌توانست در ادامه فعالیت دولت مرسی ایجاد مشکل کند، به اختلافات داخلی اخوان بازمی‌گردد. ازآنجاکه مرسی کاندیدای اصلی اخوان در انتخابات نبود و نامزد اصلی آنان برای انتخابات رد صلاحیت شده بود، نباید اجماع کامل همه رهبران اخوان درباره مرسی را انتظار داشت. در واقع، در همان زمان کاندیداتوری مرسی نیز برخی رهبران اخوان مخالفت خود را با او اعلام کرده بودند که این امر در یک سال گذشته و در روند عدم همکاری برخی از اعضای ارشد اخوان با دولت او نمایان شد که به تضعیف دولت مرسی شده منجر بود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱-۵ - تحمیل دیدگاه‌ها در تدوین قانون اساسی و تغییرات دادستانی

مصر پس از پیروزی نیازمند یک کمیته هدایت انقلاب بود، به گونه‌ای که رهبران گروه‌های اصلی شرکت‌کننده در انقلاب، باید در این کمیته حضور می‌یافتند و مسیر توافقی حرکت کشور را تفاهم می‌کردند. این کمیته رهبری می‌توانست پیش‌نویس قانون اساسی جدید را آماده کند و برای بحث درباره آن، تقاضای تشکیل مجلس مؤسسان کند و پس از تصویب در مجلس مؤسسان، این قانون را به رفراندوم بگذارد و پس از تصویب توسط مردم، ساختارهای برآمده از قانون اساسی جدید را با همکاری کمیته رهبری انقلاب و در مواردی با رأی مستقیم مردم بچینند. مسلماً در این شرایط، هم قانون جدید، هم ساختارهای نوین و هم افراد مسئول، از مشروعیت و مقبولیت برخوردار شدند و به‌عنوان «میراث انقلاب» و «امانت مردم» مورد حمایت ملی قرار گرفتند و این شرایط به وجود نمی‌آمد کما اینکه عراقی‌ها این مسیر را رفتند و امروزه با نهادهای قانونی، بسیاری از مشکلات خود را حل می‌کنند و دخالت غرب و بعضی دولت‌های دخالت‌گر عربی هم نتوانسته به این نظم آسیب بزند. مصر مرسی و اخوان از همان آغاز راه را اشتباه رفت. در یک سال نخست، پس از پیروزی انقلاب به‌جای

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

آنکه رهبران گروه‌های شرکت‌کننده در انقلاب، نظم نوین را در دست داشته باشند، اداره امور مصر به دست فرمانده ارتش مبارک، محمدحسین طنطاوی قرار گرفت. این فرماندهان ارتش بودند که پیش‌نویس قانون جدید را تهیه کردند و درحالی‌که فقط تغییرات اندکی نسبت به قانون اساسی قبل داشت، به تصویب رساندند. بر اساس این قانون اساسی معیوب، انتخابات مجلس شعب مصر برگزار شد و اساساً معلوم نبود مأموریت این مجلس قانون‌گذاری است یا تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید. ازاین‌رو، از همان ابتدا میان رهبران احزاب پیروز، اخوان المسلمین و گروه‌های شبه‌سلفی و شورای عالی نظامی کشور، درباره ماهیت و وظایف این مجلس، اختلاف نظر جدی وجود داشت و زمانی که رهبران اخوان، مهم‌ترین مأموریت مجلس جدید را تدوین قانون اساسی دانسته و حدود صد نفر از نمایندگان مجلس را مأمور تدوین کردند، شورای عالی نظامی از طریق «دادگاه قانون اساسی» مجلس را غیرقانونی خوانده و تعطیلی آن را اعلام کرد، اما با وجود این، آن هیئت صد نفره، کار خود را ادامه داد. در این بین، بدون آنکه وضعیت مجلس شعب مشخص باشد، انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و کاندیدای اخوان المسلمین و سلفی‌ها با رأی بسیار شکننده‌ای و با اختلاف حدود ٤٠٠ هزار رأی به پیروزی رسید؛ این در حالی بود که اخوانی‌ها قانون اساسی دوره مبارک و قانون اساسی تغییریافته شورای عالی نظامی را قانونی نمی‌دانستند و این پرسش را بی‌پاسخ می‌گذاشتند که چگونه از دل قانون نامشروع، رئیس‌جمهور مشروع بیرون می‌آید. در این فضا، رئیس‌جمهور دست به اقداماتی از قبیل تغییر دادستان کل و اعضای شورای قانون اساسی می‌زد، بدون آنکه بگوید این تغییرات را بر اساس کدام اصول قانونی و کدام قانون مشروع انجام می‌دهد. مرسی در ادامه، پیش‌نویس قانون اساسی گروه صد نفره را به رأی گذاشت و موفق به کسب رأی شکننده شد. در واقع، در این همه‌پرسی، حدود ۲۵ درصد از واجدان شرایط رأی، به قانون اساسی جدید رأی دادند، درحالی‌که جایگاه پرعظمت قانون اساسی به آرای اکثریت مطلق و حتی دوسوم آرا احتیاج دارد. بااین‌حال، این پرسش حقوقی وجود داشت که مرسی با کدام قانون این همه‌پرسی را برگزار کرده است. مخالفان مرسی با تکیه بر رفتار غیر قانونی محمد مرسی و اخوان المسلمین و با توجه به رأی شکننده اخوان المسلمین به میدان آمدند و مطالباتی را مطرح کردند که به‌مرور بر تعداد آنان افزوده می‌شد و درنهایت، این مطالبات به ابطال نتایج انتخابات ریاست جمهوری و توقف روند برگزاری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

انتخابات مجلس شعب رسید. با توجه به آنچه گذشت، اخوانی‌ها و مرسی باید این واقعیت را می‌پذیرفتند که از پشتوانه قاطع مردمی و جایگاه حقوقی مستحکمی برخوردار نیستند و راه توافق و گفت‌وگو با مخالفان را در پیش می‌گرفتند، اما اگرچه د رفاصله شش ماه گفت‌وگوهایی میان طرفین شکل گرفت، توافقی به دست نیامد و اخوانی‌ها به‌ویژه روی نهایی بودن تصویب قانون اساسی و عدم امکان تعویق زمان انتخابات تأکید می‌کردند. کار به جایی رسید که مخالفان که به یک جبهه گسترده تحت عنوان «جبهه تمرد» تبدیل شده بودند، روز ۳۰ ژوئن را به‌عنوان روز تعیین تکلیف قرار دادند. در این فاصله، مرسی و اخوانی‌ها می‌توانستند بخش زیادی از خواسته‌های معترضان را شامل پذیرش لغو قانون اساسی جدید و موکول کردن زمان و نحوهٔ برگزاری انتخابات به توافق جامع دولت و گروه‌های موافق و مخالف بپذیرند و از این طریق، ضمن مهار مخالفت‌ها، از تعداد مخالفان خیابانی بکاهند. اما اخوان راه مخالفت را انتخاب کرد و بر قانونی بودن قانون اساسی و بی‌شبهه بودن انتخابات ریاست جمهوری تأکید کرد. نتیجه این نپذیرفتن این شد که مخالفان در روز موعود شعار «ار حلوا» را علیه مرسی و اخوان سر دادند (زارعی، ۱۳۹۲).

۱-٦ - نادیده انگاشتن نقش و نفوذ ارتش

واقع امر این است که ارتش مصر بنا به اعتبارات تاریخی و سیاسی، تحت هیچ شرایطی رئیس‌جمهوری خارج از بدنه نیروهای مسلح را برنمی‌تابد. از سال ۱۹۵۲ که افسران آزاد در یک کودتا علیه ملک فاروق، پادشاه وقت مصر، قدرت را در دست گرفتند، هیچ رئیس‌جمهوری خارج از نیروهای مسلح به قدرت نرسیده است. ژنرال محمد نجیب، سرهنگ جمال عبد الناصر، انور السادات و حسنی مبارک، چهار افسری بودند که به‌ترتیب شصت سال بر مصر حکومت کردند. در واقع، ارتش مصر برخلاف ارتش‌های جهان، یک حزب فراگیر سیاسی ـ نظامی است که رئیس‌جمهور را با استفاده از اهرم‌های احزاب سیاسی موجود در مصر به قدرت می‌رساند. تنها تشکل ریشه‌دار تاریخی در مصر که ۸۵ سال سابقه مبارزه دارد، اخوان‌المسلمین است که توانست با استفاده از لایه‌های پایین جامعه مصر، محمد مرسی را وارد کاخ ریاست جمهوری کند. اما آیا ارتش اجازه می‌دهد که یک زندانی فراری از زندان «الطره» مصر به نام محمد مرسی که هیچ گونه سابقه نظامی ندارد، در رأس نیروهای مسلح

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

قرار گیرد؟ (هانی‌زاده، ۱۳۹۲) اخوان المسلمین پس از تصدی پست ریاست جمهوری، نتوانست با ارتش مصر تعامل خوبی داشته باشد. محمد مرسی در نخستین گام، تغییر در رأس ارتش را در دستورکار خود قرار داد و با این اقدام، عملاً ارتش را به حاشیه برد. ارتش مصر نیز از یک سو به صورت غیر مستقیم و پنهانی در بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی یک سال زمامداری اخوان نقش ایفا کرد و از سوی دیگر، منتظر فرصت ماند تا قدرت خود را به رخ مرسی و اخوانی‌ها بکشد (زاوش، ۱۳۹۲). از دیگر اشتباهات مرسی، اعتماد بیش از حد به ارتش و فرمانده آن «السیسی»بود که اقدام علیه دولت مرسی، توسط وی صورت گرفت و مرسی ارتش را دست‌نخورده باقی گذاشته بود و هیچ تحول محسوسی در ساختار آن به وجود نیاورده بود.

ازآنجاکه ارتش مصر در دوران قیام علیه حسنی مبارک توانسته بود موضع نسبتاً بی‌طرفانه‌ای را از خود نشان دهد، ظرفیت این کار را داشت که با کنار گذاشتن مرسی بتواند در کوتاه‌مدت نوعی رضایت در بین معترضان خیابانی به وجود آورد و فرصتی فراهم شود تا گروه‌های مختلف سیاسی و احزابی که با هم متحد شده بودند بتوانند خواسته خود مبنی بر لزوم برگزاری انتخابات زودهنگام را به کرسی بنشانند (علایی، ۱۳۹۲).

۲. بُعد ایدئولوژیکی و هویتی

۲-۱- شیعه‌ستیزی و همراهی با سلفی‌ها

اخوان‌المسلمین تابع اراده سلفی‌ها در مصر شد. موضع‌گیری آنها درباره سوریه باعث شد که میانه‌روها در مصر علیه اخوان متحد شوند. حادثه کشتن «حسن شحاته» و برادرانش، خود یکی از عوامل تسریع در سرنگونی دولت اخوان‌المسلمین بود؛ زیرا شحاته و دیگر شیعیان جلوی چشم دولت مرسی کشته شدند و این دولت، دست به هیچ اقدامی نزد، این در حالی است که شیعیانی که در مصر کشته شدند مصری بودند و از کشوری دیگر به آنجا نرفته بودند (الرماحی، ۱۳۹۲). همه این موارد، در حالی است که مذهب اعتدالی اخوانی، هیچ گونه سنخیتی با مذهب سلفی و وهابی نداشت و کمک‌های کشورهای ثروتمند عرب، به نوعی در راستای باج‌گیری از دولت مرسی و تقویت جایگاه گروه‌های سلفی مصر بود. فرصت دادن به جریان‌های سلفی در لایه‌های قدرت، باعث ارائه چهره خشن از مکتب ارشادی

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

اخوان شد (احمدزاده، ۱۳۹۲). اخوان‌المسلمین در جریان رفراندوم قانون اساسی با سلفی‌ها متحد شد و چهره‌های تندرو سلفی در مجلس و دولت و رسانه‌ها حاضر شدند و دست به اقدامات افراطی و تند و طرح دیدگاه‌های غیرواقعی از اسلام زدند و قرائت سلفی و ضد رأی مردم را عمومی کردند. اخوان‌المسلمین که به اعتدال در سیاست و پذیرش رأی مردم معروف بود، با ائتلاف با سلفی‌ها به صورت جدی زیر سؤال رفت (سبحانی، ۱۳۹۲). نزدیکی اخوان‌المسلمین به سلفی‌ها، به اعتبار آنان ضربه زد و این در حالی بود که این جریان تندرو توانسته بود در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، جای اخوان‌المسلمین را در جامعه بگیرد، درصورتی‌که جریان میانه‌رو اخوان به نبض جامعه اعتدال‌طلب مصر نزدیک‌تر بود. جامعه مصری نتوانست این تندروی دینی و رفتارهای آنان را به‌راحتی برتابد. این جریان همچنین سبب بروز شخصیت‌های تندرویی در میان اخوان‌المسلمین و هم‌پیمانان سلفی آنان شد که بخش مهمی از مردم مصر را تهدید و تصویر وحشتناکی از آینده ارائه می‌کردند، تا جایی که این افراد نتوانستند جوانان غیر حزبی مصری را قانع کنند که می‌توانند حاشیه‌ای از آزادی و سیاست موجود را برای کشور تأمین کنند (خبرگزاری میدل‌ایست، ۱۳۹۲/٤/۱٤).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲-۲- فقدان استراتژی ثابت و نبود هویت مشخص

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات مرسی و اخوان‌المسلمین، زیر پا گذاشتن اصول به دلیل اقتدارگرایی بود، درحالی‌که این جریان طبیعتاً باید در جهت امت اسلامی حرکت می‌کرد، اما از هدف اصلی امت عقب‌نشینی کرد. اخوان المسلمین تصور نمی‌کرد که در اندک زمانی پس از برکناری حسنی مبارک به قدرت برسد؛ بنابراین، از ابتدا با یک استراتژی ثابت وارد میدان نشد. یعنی آنها در روند دو و نیم ساله، ابتدا با ارتش متحد و انتخابات مجلس را برنده شدند. در انتخابات ریاست جمهوری که به گفته رقبا قول داده بودند نامزد معرفی نکنند، با معرفی نامزد و با استفاده از گفتمان انقلاب و ضد انقلاب، محمد مرسی را به پیروزی رساندند و درنهایت، درجریان تصویب قانون اساسی با تندروترین گروه اسلام‌گرای مصری یعنی سلفی‌ها متحد شدند و با آرای بسیار کم (حدود ۲۰ درصد واجدین شرایط) قانون اساسی را به تصویب رساندند؛ قانونی که اقلیت‌های دینی، لیبرال‌ها و قوم‌گرایان و به‌طورکلی جامعهٔ سیاسی مصر را راضی نکرد. مخالفان محمد مرسی و قانون اساسی مصر

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

مدعی شدند قانون اساسی مصر متناسب با جامعه سکولار مصر نیست و اسلام‌گرایان با این قانون می‌توانند حقوق اقلیت‌ها را نادیده بگیرند و انقلاب مردم مصر را منحرف کنند. در این پروسه بود که اخوان‌المسلمین به انحصارطلبی و سوءاستفاده از قدرت متهم و از اصطلاحاتی چون دیکتاتوری مذهبی و دیکتاتوری اکثریت درباره مرسی و دولت استفاده شد. زمانی که محمد مرسی به خواسته‌های مخالفان توجهی نکرد، مخالفان وی روز به روز متحدتر شدند و با تشکیل جبهه نجات ملی با رهبری محمد البرادعی به قول جوانان میدان آزادی، انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب نخست شکل گرفت. در جبهه نجات و در میان مخالفان، تقریباً تمام گروه‌های سیاسی به‌جز اسلام‌گرایان حضور یافتند و جامعه مصر به دوقطبی اسلام‌گرایان و طرف‌داران دموکراسی با پشتوانه فرهنگ و مبانی سکولار شکل گرفت و جبهه نجات از فرصت یک ساله شدن حکومت مرسی و از عدم توفیقات اقتصادی او استفاده و با طرح شعار انحصارطلبی اخوانی‌ها، میدان آزادی را پر کردند (سبحانی، ۱۳۹۲). در واقع، مشکل این بود که اخوان هویت دولت جدید را مشخص نکرد. سرنگونی آنها به دلیل ارتباط با ایران یا مواضعشان درباره فلسطین و امریکا نبود. سقوطشان به دلیل نزاع بر سر حکومت بود؛ یعنی اگر به علت مخالفتشان با امریکا سقوط می‌کردند، وضعیت آنها بهتر بود و مردم در حمایت از آنها در تمام کشورهای اسلامی تظاهرات می‌کردند. اما اگر این سرنگونی به دلیل رقابت بر سر قدرت باشد، برای مردم بی‌معنا است (عتریسی، ۱۳۹۲).

۲-۳- نگاه ایدئولوژیک اخوان‌المسلمین به تشکیلات حاکمیتی

یکی از عوامل سقوط زودهنگام و زودرس اخوان المسلمین، نگاه ایدئولوژیکی به تشکیلات حاکمیتی بود. در درون تشکیلات اخوان المسلمین، بحث اطاعت و تبعیت اعضا از مرشد مطرح است و زمانی که مرشد دستور صادر می‌کند، اعضا باید بر اساس سمع و اطاعت عمل کنند؛ بنابراین، اخوان المسلمین وقتی وارد حاکمیت شد، با این نگاه به بدنه حاکمیت نگریست، درحالی‌که این جریان به عواملی همچون تمدن تاریخی، اقلیت‌ها، مذهب، فرهنگ و نقش مصر در تحولات منطقه و بسیاری از معادلات و فرایندهای اثرگذار دیگر توجه نکرد. مرسی نتوانست خود را از رابطه ارگانیکی و تعهد اخلاقی و سازمانی برهاند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

۲-٤- نادیده انگاشتن حرکت‌های مردمی و عدم مسامحه با اقلیت‌های دینی مصر

آنچه موجبات تضعیف اخوان‌المسلمین را فراهم آورد، سیاست‌های آنان پس از قدرت‌گیری بود. آنها درحالی‌که ۵۱ درصد آرا را داشتند، به گونه‌ای عمل کردند که گویی اکثریت مطلق را دارند. در برابر همه ایستادند؛ از نظام قضایی گرفته تا مطبوعات و رسانه‌ها و حتی دانشگاه الازهر و فراموش کردند رأی آنها در شهرهای بزرگ به مراتب کمتر از رقیب مرسی یعنی احمد شفیق بود. در نتیجه، حتی گروه‌های اسلامی غیر اخوانی هم به مخالفانشان تبدیل شدند. مشکل مهم‌تر سرسختی آنها در برابر اعتراضات مردمی بود که درنهایت مرسی نه استعفا را پذیرفت، نه رفراندوم را و این یک اشتباه بزرگ بود؛ یعنی ایستادن در برابر خواست بخش عظیمی از مردم. اگر نظرات و مقالات منتقدان از اخوان را در ماه‌های آخر بررسی کنیم، خواهیم دید که عموم آنها از سیاست یا به تعبیر خود آنها لجاجت مرسی عصبانی و بلکه بسیار عصبانی هستند (مسجدجامعی، ۱۳۹۲). با نگاهی به چیدمان عناصری که در مراسم انتقال قدرت از مرسی به دولت موقت مصر حضور داشتند ــ از رهبران مسیحی و سکولارها گرفته تا نوری‌ها و شیخ الازهر ــ به انضمام تظاهرات پانزده میلیونی مردم در قاهره، وجود یک اجماع نیرومند متشکل از همه لایه‌های اجتماعی را علیه مرسی می‌توان مشاهده کرد که حاصل آن سقوط وی بود (همان).

۳. بُعد اقتصادی

۳-۱- مشکلات حاد اقتصادی

ازآنجاکه بخش مهمی از مطالبات مردم مصر در انقلاب ۲۰۱۱ این کشور، برطرف کردن معضلات و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط معیشتی بود، یکی از چالش‌های مهم محمد مرسی به همین عرصه مربوط می‌شد. در این عرصه، می‌توان به چالش‌های اساسی همچون کاهش فقر و بهبود وضعیت معیشت و رفاه عمومی، مقابله با فساد و بی‌عدالتی اقتصادی و همچنین جذب سرمایه و ایجاد رونق اقتصادی در سطح کلان آن اشاره کرد. مصر وضعیت اقتصادی حادی دارد و نگرانی‌های بسیاری درباره وضعیت آینده اقتصاد این کشور وجود دارد و این موضوعی است که فقر اقتصادی و خدشه‌دار کردن رفاه عمومی را باعث شده است (اقبال، ۱۳۹۲). در حال حاضر، بر اساس آمارهای ارائه شده، درآمدهای اقتصادی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

مصر از چهار منبع عمده تأمین می‌شود. نخست گردشگری که هرچند عمده‌ترین منبع درآمد به شمار می‌آید، اما کفاف اقتصاد مصر را نمی‌کند. دوم درآمد ملی و تولید داخلی است که عمدهٔ آن درآمدهای ناشی از فروش نفت و عوارض عبور از کانال سوئز است. دولت مصر بابت عوارضی که از کشتی‌های عبوری از کانال دریافت می‌کند، تاکنون میلیاردها دلار عایدی داشته است. سومین منبع درآمد مصر کمک‌های سالانه امریکا به اقتصاد مصر است که در حدود سه میلیارد دلار است و چهارمین منبع نیز کمک‌های کشورهای عربی خلیج فارس است. بااین‌حال، نه تنها هریک از این منابع به تنهایی نمی‌توانند مشکلات اقتصادی مصر را حل کنند، بلکه با توجه به گسترده بودن فقر در این کشور، چهار منبع بالا در کنار هم می‌توانند تا حدی مشکلات این کشور را حل کنند. گزارش‌های مختلف حاکی از افزایش میزان فقر و بیکاری در سال‌های اخیر و به‌ویژه در دوره پس از مبارک در مصر است و این موضوع چالش‌های اقتصادی و معیشتی را به‌عنوان چالش‌هایی اساسی در برابر محمد مرسی مطرح کرده بود. فقر در مصر در سال ۲۰۰۹ به ٦/۲۱ درصد و در سال ۲۰۱۱ و بعد از انقلاب ۲۰۱۱ به ۲/۲۵ درصد رسید که این مقدار نسبت به ده سال قبل ۱۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد (اقبال، ۱۳۹۲). در چنین شرایط اقتصادی جامعه مصر، محمد مرسی به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور انتخابی این کشور برگزیده شد. طبیعی بود که در کوتاه‌مدت، هیچ شخصی نمی‌تواند این مشکل‌های بسیار مهم و تأثیرگذار را حل کند. مرسی و اخوان المسلمین، زمان زیادی برای حل این مشکلات نیاز داشتند. اولویت اصلی اخوان‌المسلمین تحکیم قدرت سیاسی تعریف شد و بنابراین در یک سال حکومت مرسی، وضع مصر از نظر اقتصادی رو به بهبود نبود و دولت نتوانست با سر و سامان دادن به این وضعیت بحرانی، بین گروه‌های مختلف اقتصادی، تفاهم مناسب در چهارچوب برنامه مدون بلندمدت اقتصادی را فراهم آورد.

۳-۲- اتکا به کمک‌های اقتصادی دیگر دولت‌ها

آنچه مد نظر دولت مصر قرار داشت، آن بود که می‌تواند مشکلات اقتصادی را با کمک عربستان، ترکیه، قطر و امریکا حل کند، درحالی‌که مشکلات را باید به وسیله مردم در قالب برنامه‌های منسجم و با حمایت دولت حل و فصل کرد. محمد مرسی در مدت مسئولیت خویش، نتوانست احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف و فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

داخلی و خارجی را به مدیریت خود قانع کند و بنابراین نتوانست یک ثبات نسبی را بر امور اقتصادی کشور حاکم کند. به همین دلیل، به سمت و سوی دریافت کمک‌های مالی از دیگر دولت‌ها به‌ویژه قطر حرکت کرد که این دریافت‌ها موجبات تبعیت در دیگر مسائل را برای مصر به ارمغان آورد. به طور مثال، قطر در امور داخلی و مالی مصر نیز دخالت می‌کرد و با اعطای تسهیلات غیر معمول به بازارهای مالی مصر و شرکت در مناقصه‌های کانال سوئز و حفاری برای کشف گاز و دیگر سرمایه‌گذاری‌ها در مسائل حیاتی، مخالفت اکثر اقتصادیون و سیاست‌مداران مصری را برانگیخت و این درحالی است که شماری از این معترضان به صورت سنتی به جریان اسلام‌گرا شناخته وابسته می‌شوند(خبرگزاری میدل‌ایست، ۱۳۹۲/٤/۱٤).

۳-۳ - نادیده انگاشتن قدرت اقتصادی ارتش

باید توجه کرد ارتش مصر دارای سازمان‌های متعدد اقتصادی است، به‌طوری‌که برخی معتقدند بین ۱۵ تا ۲۰ درصد اقتصاد مصر در اختیار نهادهای وابسته به ارتش است و بنابراین هر نوع بی‌ثباتی و بی‌نظمی، منافع ارتش را در این کشور به خطر می‌اندازد و باعث می‌شود ارتش به‌عنوان یک مداخله‌گر به ظاهر بی‌طرف وارد عرصه سیاسی شود. در قانون اساسی جدید مصر که در زمان مرسی به تصویب رسید، از میزان اختیارات ارتش کاسته نشد؛ بنابراین، در بین ناظران و تحلیل‌گران مسائل سیاسی، همواره این بحث مطرح بوده است که آیا ارتش در زمانی که احساس کند اوضاع کشور نابسامان است وارد عرصه سیاسی خواهد شد یا نه؟ و زمام امور را در دست خواهد گرفت یا خیر؟ بنابراین، این بار ارتش به‌عنوان مدافع مردم در برابر دولت مرسی وارد عمل شد و سعی کرد وجهه و اعتبار خود را به‌عنوان یک نیروی پایان‌دهنده به مناقشات حفظ کند (علایی، ۱۳۹۲).

ب) عوامل خارجی

۱. دوگانگی آرمان‌ها و عملکردهای بین‌المللی

۱-۱ - گسترش روابط با رژیم صهیونیستی و نادیده انگاشتن آرمان فلسطین

از اصول اخوان‌المسلمین در سیاست خارجی، قبل از رسیدن به قدرت، مخالفت سرسختانه نسبت به پیش‌برد سیاست عادی‌سازی روابط با اسراییل بوده است، ولی به قدرت رسیدن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

مرسی و اخوان نشان داد که در عرصه عملی چنین شعارهایی سرلوحه رفتار اخوانی‌ها نیست. اخوانی‌ها به محض رسیدن به قدرت، اسراییل را به رسمیت شناختند و برای مصر در اسراییل سفیر تعیین کردند و به نام ملت مصر نامه‌های محبت‌آمیز به اسراییل نوشتند و مرسی خود را دوست مخلص شیمون‌پرز، رئیس رژیم صهیونیستی، معرفی کرد (خبرگزاری میدل‌ایست، ۱۳۹۲/٤/۱٤). بسیاری تصور می‌کردند که با روی کار آمدن مرسی در مصر، دولت این کشور اقدام به کمک‌رسانی جدی به غزه از طریق مرز رفح که در اختیار مصر قرار داشت کند، ولی این کار عملی نشد و عملاً تغییر در روابط مصر با رژیم صهیونیستی شکل نگرفت (اقبال، ۱۳۹۲).

از جمله خطاهای راهبردی اخوان‌المسلمین، سپردن ضمانت پایبندی به پیمان کمپ دیوید به مقامات رژیم صهیونیستی و تأمین انرژی ارزان‌قیمت برای آن رژیم است. مرسی حتی یک بار هم از آرمان فلسطین دفاع نکرد و در عمل نیز حتی ساعت عبور و مرور معبر رفح را هم افزایش نداد. محمد مرسی حماس را قانع کرد تا با تضمین مصر و ترکیه حملات به اسراییل را متوقف کند و از بروز هرگونه عملیات خصمانه بر ضد اسراییل در نوار مرزی جلوگیری کند و در مقابل، اسراییل از حملات روزانه خود دست بکشد. حماس با این کار مقاومت را متوقف کرد و گردان‌های مقاومت را به نگهبانانی در طول نوار مرزی تبدیل کرد که مأموریت آنان جلوگیری از تعرض فلسطینی‌ها به اسراییل است. نرمش شدید در رفتار با اسراییل، نه تنها رضایت مردم را حاصل نکرد، بلکه ایجاد دیدگاهی منفی در میان اسلام‌گرایان مصر نسبت به مرسی و کاهش مشروعیت داخلی او را موجب شد.

۱-۲ - تلاش برای هم‌گامی با آمریکا

گفتمان اخوان قبل از وقوع انقلاب، انقلابی بود تاجایی‌که بسیاری معتقد بودند درصورتی‌که اخوان بتواند قدرت را در دست بگیرد، دشمنی با امریکا، خصومت با اسراییل و آزادی فلسطین از اولویت‌های اساسی آن خواهد بود. اما پس از رسیدن به قدرت، تفاوت میان شعارها و سخنرانی‌ها و اقدامات سیاسی در عرصه عمل آشکار شد. خودباختگی اخوان در برابر سیاست و اوامر امریکا و نرمش شدید در رفتار با اسراییل، نه تنها امریکا را قانع نکرد، بلکه نتوانست رضایت مردم مصر را جلب کند. مسئولان اخوان در طی دهه‌های گذشته، در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]

سخنرانی‌های خود به امریکا و اسراییل ناسزا گفته‌اند و همواره به مردم وعده داده‌اند که در صورت به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان آسایش، استقلال و رهایی از وابستگی بر کشور حاکم می‌شود. آنها همچنین همواره برای آزادی قدس و پشتیبانی از مقاومت شعار سر می‌دادند. این رفتار سبب شد اخوان نزد امریکا به‌عنوان منافقانی شناخته شود که رفتار ظاهری مغایر با تفکرات درونی دارد و در نزد طرف‌داران خود نیز به‌عنوان دروغگویانی شناخته شدند که رویکردی خلاف غرب‌ستیزی دارند که در سخنانشان موج می‌زند (خبرگزاری میدل‌ایست، ۱۳۹۲/٤/۱٤).

۱. رویکرد خارج از اعتدال در مواضع بین‌المللی

۲-۱- دخالت مستمر در تشدید بحران سوریه

یکی از دلایل اصلی توفیق نیافتن اخوان‌المسلمین نبود تئوریسین‌های نخبه سیاسی در این سازمان و در نتیجه فقدان تصمیم صحیح در انتخاب یک استراتژی سیاسی بود (براون، ۱۳۹۲). فقدان استراتژی مناسب در سیاست خارجی، از مصر دوران اخوان، تصویری جنگ‌طلبانه و فاقد انسجام به نمایش گذاشت و تناقضات بسیاری حاصل کرد. مرسی در پی دشمنی با بشار اسد و حمایت از گروه‌های تکفیری به‌جای دشمنی با رژیم صهیونیستی و همچنین تنزل جایگاه مصر به پایگاه لجستیک تروریست‌های سلفی عملاً از اهداف انقلاب مصر منحرف شد و مصر را به یک کشور دنباله‌رو تبدیل کرد. نکته دیگر آنکه اخوان‌المسلمین تلاش کرد انقلاب مصر را بدون انقلاب اسلامی ایران و بدون توجه به موقعیت ایران در منطقه به پیش ببرد و آن را الگوی تمام مبارزات مردمی در منطقه کند و به این دلیل از حرکت مسلحانه در بحران سوریه حمایت کرد تا به این ترتیب، نقش جمهوری اسلامی ایران و نقش شیعه و نقش حزب‌الله در منطقه کاهش پیدا کند (منصوری، ۱۳۹۲). در همین راستا، عملاً اصلی‌ترین گروهی که کوشید مشکل سوریه را از شکل اعتراض به فساد و دیکتاتوری نظام حاکم درآورد و به آن صرفاً رنگی طایفه‌ای و مذهبی بخشد، اخوان بود. آنان و هم‌دستانشان بودند که غربی‌ها و حتی اعراب را تحریک کرده و راه را برای ورود گروه‌های تکفیری و به تعبیرخود جهادی باز کردند و عملاً مسیر حرکتی خارج از اعتدال گشوده شد (مسجدجامعی، ۱۳۹۲).

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

۲-۲- سیاست خارجی نامتناسب

سیاست خارجی نامتناسب با ایده‌آل‌های انقلاب مصر، حفظ پیوند با اسراییل و ادامه همکاری با رژیم صهیونیستی ارتباط معنادار با عربستان، انعطاف در برابر ایالات متحده و پرهیز از برقراری رابطه با جمهوری اسلامی، حمایت از مخالفان بشار اسد، پذیرش کمک مالی بسیار ناچیز کشورهایی همچون عربستان و قطر و سایر کشورها، برقراری روابط برون‌مرزی در مسیر منافع تشکیلاتی اخوان با کشورهایی چون قطر و ترکیه، نادیده گرفتن منافع ملی مصر وغیره موجبات واکنش‌های مردمی شد. یکی از عوامل ناکامی مرسی، عدم شناخت دوستان منطقه‌ای خود بود. در واقع، مرسی با عدم شناخت از موقعیت منطقه‌ای مصر و وضعیت داخلی به‌جای پاسخ‌گویی به مطالبات داخلی مردم مصر در برقراری روابط دوستانه با کشورهای انقلابی و ضد رژیم صهیونیستی تلاش کرد که با کشورهای محافظه‌کار عرب مجدداً روابط صمیمی گذشته را برقرار کند و در این راستا نخستین سفر دیپلماتیک مرسی به عربستان صورت گرفت (احمدزاده، ۱۳۹۲). سران اخوان‌المسلمین مصر گرفتار توهم صداقت آل سعود نسبت به خود شدند و به این ترتیب، بعد از اعتماد به عربستان، نخستین ضربه را نیز از طرف این کشور دریافت کردند. اخوان‌المسلمین نتوانست درک کند که حاکم کشوری به گستردگی و جایگاه مصر نباید دنباله‌رو یک کشور کوچک مثل قطر باشد. شاید هم «قرضاوی» به سبب نفوذی که در اخوان‌المسلمین داشت، توانست مواضع اخوان را در جهت اجرای طرح‌های قطر در منطقه سوق دهد، به‌طوری‌که مواضع مصر تکرار مواضع وزارت خارجه قطر شده بود و این مسئله در خصوص همه مسائل منطقه از مسئله فلسطین گرفته تا مسئله سوریه صدق می‌کرد (خبرگزاری میدل‌ایست، ۱۳۹۲/٤/۱٤). از نظر امیر سابق قطر، اخوان‌المسلمین در مقایسه با سلفی‌ها، خطر کمتری برای دولت کوچک قطر دارد و با این نگاه، از رهگذر کمک مالی به این جنبش، آنان را علیه عربستان تقویت می‌کرد (هانی‌زاده، ۱۳۹۲). عربستان همواره بر تقویت سلفی‌گری در مصر برای مقابله با اخوان‌المسلمین و نیز حذف اقلیت شیعه، مسیحیان قبطی و صوفی‌ها از عرصه‌های سیاسی و دینی مصر اصرار داشت (هانی‌زاده، ۱۳۹۲). بنابراین، اولویت بخشیدن به برقراری ارتباط با عربستان که مقصد نخستین سفر خارجی مرسی بود و نیز همراهی با محور قطر ـ عربستان، نشان از عدم شناخت صحیح اخوان از سیاست‌های آنها در قبال خود داشت که نه تنها در هنگام بحران به یاری او نشتافتند، بلکه بر سرعت سرنگونی دولت اخوان نیز افزودند.

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

۲-۳- دوری جستن از برقراری رابطه با کشورهای تأثیرگذار منطقه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران

از اصول مهمی که در اهداف اخوان‌المسلمین ذکر شده است، اجتناب از جدل‌های مذهبی ـ فرقه‌ای و اتحاد اسلام است، اما عملکرد اخوان‌المسلمین انحراف اساسی را نشان می‌دهد. تقابل با جمهوری اسلامی و نداشتن اعتقاد به وحدت مذاهب اسلامی از دیگر اشتباهات جدی مرسی بود. سخنان تند مرسی در اجلاس تهران جنبش عدم تعهد، هتاکی قرضاوی به شیعیان و فتاوای او علیه ایران، حزب‌اله، اسد و وعده بهشت او به جوانان حامی مرسی در قبال مبارزه با حکومت سوریه، رفتار ناشایست شیوخ الازهر با محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری ایران در سفر چهارروزه وی به مصر و اتهاماتی که علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شد، تأثیر جدی بر موقعیت داخلی مرسی داشت. مرسی امنیت و منافع کشورهای عرب خلیج فارس را خط قرمز و شرط برقراری روابط با ایران دانسته بود (پیشگاهی‌فرد و دیگران،۱۳۹۳). بی‌اعتقادی به وحدت مذاهب اسلامی و تأکید بر جدل‌های مذهبی ـ فرقه‌ای و تلاش برای کم‌رنگ جلوه دادن نقش جمهوری اسلامی در منطقه موجب شده است که حتی پس از سرنگونی اخوان‌المسلمین، تئوریسین‌های این سازمان ایران را یکی از مقصرین سرنگونی خود معرفی کنند. «محمد راشد احمد» یک تبعه کشور عراق است که به‌عنوان مهم‌ترین برنامه‌ریز و تئوریسین اخوان شناخته می‌شود. وی متن ۳۷ صفحه‌ای را با عنوان «بازگشت از آزادی» منتشر کرده است که به سه بخش تقسیم می‌شود: شناسایی طرف‌های دخیل در «کودتا»، نقش اخوان‌المسلمین در غلبه بر این «امتحان تاریخی» و فهرستی از مهم‌ترین منفعت‌هایی که با وجود تمام مشکلات، اخوان می‌تواند از این وضعیت کسب کند.

در این مطلب، «راشد» امریکا را متهم می‌کند که برای جلوگیری از توسعه گرایش‌های اسلامی، ارتش مصر را به مواجهه با اسلام‌گرایان واداشته است. رژیم اسراییل نیز در این تحولات دارای نقشی مشابه دانسته شده و نیز کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی و امارات به حمایت مالی از مخالفان مرسی متهم شده‌اند. اما جالب‌تر از همه، بخشی از این گزارش است که در آن ادعا شده ایران نیز یکی از «دست‌های پشت پرده» در تحولات بوده است. راشد ایران را متهم می‌کند که به دلیل حمایت مرسی از مخالفان دولت سوریه و نیز جلوگیری از نفوذ ایران در مصر، اعراب شیعه را علیه دولت وی تحریک کرده است. در ادامه این ادعاها آمده: «ایران پیشنهاد کرد که مبلغ سی میلیارد دلار را برای حمایت از

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

برنامه‌های توسعه‌ای مرسی در اختیار مصر قرار دهد و در عوض، کنترل اماکن مذهبی شیعیان در مصر را به دست گیرد تا بتواند از آن برای گسترش شیعه‌گری استفاده کند. آنها همچنین پیشنهاد کردند که ورود پنج میلیون زائر و گردشگر ایرانی و عرب را تضمین می‌کنند تا حجم گردشگران مصر را به دو برابر افزایش دهند. اما مرسی این پیشنهاد را نپذیرفت و در نتیجه، ایران هر تلاشی را برای حمایت از کودتا انجام داد (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۲/۵/۱۸).

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

نتیجه‌گیری

ناکامی اخوان المسلمین در زمان حاکمیت، ریشه در کوتاهی زمان آنها نداشته بلکه ناکارآمدی اخوانی‌ها و دولت برآمده از آنها در بی‌توجهی ایشان به مؤلفه‌های حفظ قدرت در آن کشور بازمی‌گردد. سازمان اخوان المسلمین توسط چهره‌هایی مانند محمد مرسی، خیرات شاطر و محمد بدیع اداره و رهبری می‌شد که دست‌پرورده و محصول این سازمان بودند، اما تجربه‌ای برای اداره حکومت نداشتند. شاید به همین خاطر بود که این سازمان، حزب سیاسی به نام عدالت و آزادی تأسیس کرد تا کار سیاسی را به آن بسپارد. مشکل این سازمان در انتخاب استراتژی سیاسی بود. اشتباه اخوان المسلمین این بود که فکر می‌کرد می‌تواند بعد از پیروزی در انتخابات حکومت هم بکند. محمد مرسی نماینده مواضع اخوان المسلمین بود، به‌طوری‌که با رفتار انحصارگرایانه انقلاب را به نفع یک گروه مصادره کرد و این موضوع سبب شد تا با یک واکنش اجتماعی گسترده روبه‌رو شود. پس از آنکه اخوان توانست پست ریاست جمهوری را تصاحب کند، رئیس‌جمهور نتوانست از زیر سایه حزب خارج و وارد حوزه ملی شود و اقدامات، تصمیمات، عزل و نصب‌ها و سخنرانی‌ها برچسب حزبی را داشتند که خود را مورد حمایت دین می‌خواند و مخالفان خود را مورد عتاب قرار می‌داد.

به نظر می‌رسد بهترین تعبیری که بتوان برای عملکرد منجر به شکست اخوان المسلمین بیان کرد، تعبیر حرکت از «آرمان‌گرایی به سمت اقتدارگرایی» باشد که بیان‌کنندهٔ تغییر اهداف و آمال و اصول در هنگام اجرا و نمایان شدن عملکردی در تضاد با اصول است. اخوان المسلمین نه در حوزه سیاست داخلی و نه در حوزه سیاست خارجی برنامه مدون و مشخصی ارائه نکرد و بنابراین دچار عوامل متعدد داخلی و خارجی شد که نقش اصلی در به وجود آمدن آنها را خود ایفا کرده بود و با انحصارطلبی و عدم تعامل با دیگران، بستر مناسب برای تسریع در رسیدن به خط پایان را فراهم کرد. ضعف موقعیت‌سنجی و نظریه‌پردازی در اخوان المسلمین و دولت برآمده از آن و نگاه به جوامع اسلامی از یک منظر کاملاً دینی که تصویر روشنی از دنیای امروز را نداشت، تناقضات بسیاری را نمایان کرد که موجب بی‌اعتبار شدن روزافزون این جماعت و دولت مرسی در نزد مردم و افکار عمومی شد. بنابراین، همچنان که خلافت عمر بن عبد العزیز، تنها ۲۹ ماه بیشتر دوام نیاورد و سرانجام، توسط امرای توطئه‌گر بنی‌امیه مسموم شد، زمامداری اخوان المسلمین مصر نیز تنها یک سال به طول انجامید و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

درنهایت به وسیله اشتباهات جبران‌ناپذیر خود که زمینه حضور ارتش را فراهم کرد، سرنگون شد. سقوط دولت اخوان المسلمین را که پس از ۸۵ سال مبارزه خونین شکل گرفت، می‌توان یک حادثه قابل تأمل سیاسی در عصر حاضر تلقی کرد که تحلیل‌های فراوانی را می‌طلبد.

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

کتابنامه

احمدزاده، داوود (۱۳۹۲/۸/۱۰)، «چرا اخوان المسلمین نتوانست؟»، *خبرگزاری تسنیم*، قابل دسترس در: http://www.tasnimnews.com/Home/Single/92115

اقبال، حدیث (۱۳۹۲/۸/۱۰)، «اشتباهات مرسی و اخوان المسلمین مصر چه بود؟»، *خبرگزاری شبستان*، قابل دسترس در: http://www.shabestan.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=0&Id=272575&Mode

الرماحی، طالب (۱۳۹۲/۸/۱۰)، «اخوان المسلمین اشتباهات زیادی مرتکب شد»، *خبرگزاری تسنیم*، قابل دسترس در: http://www.tasnimnews.com/Home/Single/95001

براون، ناتان (۱۳۹۲/۸/۸)، «آینده اخوان المسلمین»، *تارنمای سیاست ما*، قابل دسترس در: http://www.siasatema.com/vdcb08b5.rhbfgpiuur.html

پورغلامی، محمد (۱۳۸۹)، «اشتباه استراتژیک اخوان المسلمین»، *هفته‌نامه پنجره*، س ۲، ش ٦٣، صص ۷۳ – ۷٤.

پیشگاهی‌فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۳)، «تبیین قلمروخواهی جنبش اخوان المسلمین در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ٤، ش ۱، بهار، صص ۱ – ۲۷.

جعفری ولدانی، اصغر(۱۳۸۷)، *ایران و مصر؛ چالش‌ها و فرصت‌ها*، چاپ اول، تهران: مرز فکر.

جعفری ولدانی، اصغر(۱۳۸۲)، *روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی*، چاپ اول، تهران: آوای نور.

دارا، جلیل؛ کرمی، مصطفی (۱۳۹۲)، «نقش اخوان المسلمین در انقلاب ۲۰۱۱ مصر در پرتو رابطه ساختار ـ کارگزار»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۳، پاییز، صص ۱ – ۲۷.

دومانلو، طیبه؛ مقدم‌شاد، محمودرضا و داود فیرحی(۱۳۹۳)، «دموکراسی یا اقتدارگرایی، ناکامی سیاسی اخوان المسلمین»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ٤، ش ۱، بهار، صص ۲۸ – ۵۳.

زارعی، سعدالله (۱۳۹۲/۸/۱۱)، «چرا مصر به این حال و روز افتاد؟»، *خبرگزاری جهان*، قابل دسترس در: http://www.jahannews.com/vdcfjvd0jw6d1ma.igiw.html

زاوش، سعید (۱۳۹۲/۸/۱۰)، «خزان اخوان المسلمین در مصر»، *تارنمای سازمان بسیج جامعه پزشکی تهران*، قابل دسترس در: http://www.bmtehran.ir/newsview.aspx?id=331

زوبع، حمزه (۱۳۹۲/۸/۱۸)، «خطا کردیم و از ملت عذر می‌خواهیم»، *خبرگزاری ایسنا*، قابل دسترس در: http://isna.ir/fa/news/92061710646

سبحانی، محمدعلی (۱۳۹۲/۸/۱۵)، «اشتباهات اخوان و مرسی»، *خبرگزاری فرارو*، قابل دسترس در: http://fararu.com/fa/news/155334

عتریسی، طلال (۱۳۹۲/۸/۱۵)، «دلایل سقوط اخوان المسلمین مصر و اشتباهات آنها»، *تارنمای مسلمنا*، قابل دسترس در: http://www.moslemna.com

علایی، حسین (۱۳۹۲/۸/۱۵)، «اشتباه مرسی و اخوان المسلمین چه بود؟»، *خبرگزاری ملت*، قابل دسترس

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]

[DOI: 10.20286/priw-040453]

در: http://mellatonline.ir/news/news.cfm?id=1141
علیزاده، حسین (۱۳۸٤)، *تاریخ روابط ایران و مصر، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه*، چاپ اول.
مرادی، مجید (۱۳۸۳)، «انقلاب اسلامی و تحولات فراوطنی آن»، *هفته‌نامه پگاه حوزه*، ش۱٤۰، صص ۱٦ – ۱۹.
مسجدجامعی، محمد (۱۳۹۲/۸/۱۸)، «اخوان المسلمین عامل تضعیف خود بود»، *تارنمای اطلاعات*، قابل دسترس در: http://www.ettelaat.com/etiran/?p=9845
مسعودنیا،حسین؛ نجف‌پور، سارا (۱۳۸۸)، «اخوان المسلمین مصر: از بنیادگرایی اسلامی تا مشارکت دموکراتیک»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۱۹، صص ۱٤۱ – ۱٦٤.
منصوری، جواد (۱۳۹۲/۸/۱۰)، «عجیب‌ترین اشتباه اخوان‌المسلمین به رسمیت شناختن اسراییل بوده است»، *تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی*، قابل دسترس در: http://www.irdc.ir/fa/content/32686/default.aspx
موسی الحسینی، اسحاق (۱۳۷۷)، *اخوان‌المسلمین بزرگ‌ترین حرکت اسلامی معاصر*، (هادی خسروشاهی)، تهران: اطلاعات، چاپ دوم.
هانی‌زاده (۱۳۹۲/۸/۱۸)، «مدل حکومتی اخوان المسلمین چیست؟»، *خبرگزاری ایسنا*، قابل دسترس در: http://isna.ir/fa/news/92041710779
بی‌نا (۱۳۹۲/۸/۲۰)، «اخوان المسلمین: ایران در سقوط مرسی نقش داشت»، *خبرگزاری تابناک*، قابل دسترس در: http://www.tabnak.ir/fa/news/337399
۲۵. بی‌نا (۱۳۹۲/۸/۸)، «جایگاه و اهمیت اخوان المسلمین در مصر/ اشتباهات مرسی منجر به سقوط او شد»، *خبرگزاری دفاع مقدس*، قابل دسترس در: http://defapress.ir/Fa/News/1305
بی‌نا (۱۳۹۲/۸/۲۰)، «چرا اخوان المسلمین مصر سقوط کرد؟ مهم‌ترین اشتباهات رهبری اخوان»، *خبرگزاری مشرق (به نقل از خبرگزاری میدل ایست)*، قابل دسترس در: http://www.mashreghnews.ir/fa/news/229408

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:
جعفری‌ولدانی، اصغر؛ تولایی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، «بازشناسی علل سقوط اخوان‌المسلمین پس از یک سال زمامداری» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٤، ش٤، زمستان، صص ۵۳ – ۸۲.

[Downloaded from priw.ir on 2024-04-20]
[DOI: 10.20286/priw-040453]